

کتابخانه  
موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی



# نظریاتی درباره نوشته های پارسی باستان

از انتشارات علمی مرکزی بنیاد ملی ایران

تألیف . رلف نارمن شارپ

PI  
۱۶۸  
/۵  
/۵

نظریاتی چند

راجع

به کتیبه‌های پارسی باستان



## نظریاتی چند راجع به کتیبه های پارسی باستان

کتیبه های میخی پارسی باستان که از شهریاران هخامنشی بیادگار مانده است از نظر زبان و تاریخ و اخلاق بسیار پرارزش است.

بیشتر این کتیبه ها را میتوان در ایران مشاهده نمود بخصوص درشوش نزدیک اهواز - در بیستون نزدیک کربانشاه - در کوه الوند نزدیک همدان - در پاسارگاد - در نقش رستم و تخت جمشید نزدیک شیراز - در موزه ایران باستان در تهران. پاره ای از آنها هم در خارج از ایران مانند کنار دژ وان در ترکیه و نزدیک ترعه سوئز در مصر وجود دارند بعلاوه نمونه های مختلفی از آنها که در خلال کاوشها یا بطور تصادف در قرن اخیر بدست آمده در موزه های بریتانیای لندن - لوور پاریس - دانشگاه فیلا دلفیای آمریکا - لنین گراد - آرمور بروسل و در موزه برلین و کتابخانه ملی پاریس دیده میشود.

عده ای از این کتیبه ها بر روی صفحات زر و یا سیم نقر شده - و اکثراً روی لوحهای سنگی یا مرمری یا روی صفحه صیقلی شده دامنه کوه حجاری شده - بعضی هم روی لوحهای گلی که در آفتاب خشک شده و یاد رکوره پخته شده نقش گردیده است.

علاوه بر کتیبه های فوق الذکر، وزنها و متداولی باندازه های مختلف از سنگ آتش فشانی - ظروف از سنگ مرمر و سماق - مهره های استوانه ای شکل از بلور و سنگهای دیگر که نام یکی از شاهان هخامنشی و در بعضی موارد شرح القاب او را در بر دارد موجود است.

تمام این کتیبه ها محتوی یک گنجینه پرارزش ملی است که هم ترکیب زبان پارسی باستان و هم تاریخ امپراطوری ایران را روشن میسازد.

خطی که برای نوشتن زبان پارسی باستان بکار برده میشده بدون شک از علائم میخی شکل که در سنگ نبشته های عیلامی و بابلی بکار میرفته است اشتقاق یافته و از چپ به راست نوشته میشده است. نظر باینکه خط میخی در خلال قرون متمادی در کشور های غربی مجاور ایران متداول بوده طبیعی است که یک شکل ساده شده چنین خطی را برای ضبط اسناد و فرمانها در پارسی باستان مورد استفاده قرار داده اند.

خط میخی پارسی فقط ۳۶ علامت دارد در صورتیکه اقسام پیچیده دیگر خط میخی دارای چند صد علامت میباشد و علاوه بر این هجائی است نه الفبائی.

؛(ga) (گَک)	؛(xa) (خَک)	؛(ku) (کُوک)	؛(ka) (کَک)
؛(ji) (جی)	؛(ja) (جَک)	؛(ca) (جَک)	؛(gu) (گُوک)
؛(ssa) (سَک)	؛(θa) (ثَک)	؛(tu) (تُوک)	؛(ta) (تَک)
؛(na) (نَک)	؛(du) (دُوک)	؛(di) (دی)	؛(da) (دَک)
؛(ba) (بَک)	؛(fa) (فَک)	؛(pa) (پَک)	؛(nu) (نُوک)
؛(ya) (یَک)	؛(mu) (مُوک)	؛(mi) (می)	؛(ma) (مَک)
؛(va) (وَک)	؛(la) (لَک)	؛(ru) (رُوک)	؛(ra) (رَک)
؛(za) (زَک)	؛(śa) (شَک)	؛(sa) (سَک)	؛(vi) (وی)
؛(ha) (هَک)			

برای شاه ۲ - برای زمین ۷ - برای کشور ۲۲ ۲ - برای خدا ۲۲ - برای اهورامزدا ۲۲ و برای اهورا مزدا درحالت اضافه ۲۲۲ .  
پنج علامت برای نشان دادن اعداد بکاربرده میشود.

در ارقام مرکب کوچکترین عدد در طرف راست نوشته می‌شده است.

در ابتدا علائم پارسی باستان را بوسیلهٔ فروبردن قلمی چوبی در سطح نرم یک لوح گلی که بعداً آنرا در آفتاب مانند خشک میکردند و یا مانند آجر آنرا در کوره میپختند درست میکردند. همان علائم را هم با افزاری روی صفحات زر و یا سیم نقشی

بسیاری از این علائم پس از گذشت ۲۰۰ سال مانند روز نخست که بر سنگ  
نقش گردیدند واضح و خوانا میباشند. شاید کوچکترین آنها را بتوان بر روی مهر استوانه‌ای  
شکل داریوش کبیر (۵۲۱ - ۴۸۶ ق. م) مشاهده کرد. علائم روی این مهر با ارتفاع  
۳ میلی‌متر میباشند و متن آن از قرار ذیل است:

(اَدَم: دَارِی وُوش: خَشَای ثِی ی) یعنی «من (هستم) داریوش شاه»

نمی‌توان تعیین کرد چه موقع و توسط چه کسی خط پارسی باستان بوجود آمده است. پاره‌ای از خاورشناسان داریوش کبیر را اول کسی میدانند که آنرا بکار برده است اما دو کتیبه مختصر باین خط بر روی دو جز سنگی در پاسارگاد یافت میشود که نام کورش بر روی آن نوشته شده است. همچنین دو لوحه طلا بخط پارسی باستان بنام پدر بزرگ داریوش، ارشام و پدر ارشام، موسوم به آریارمن موجود است بنا برین خط میخی پارسی باستان ممکن است در زمان سلطنت چیش پیش پدر آریارمن (۶۷۵ - ۶۴۰ ق. م؟) اختراع شده باشد.

اسم پارسی خدا <=> 𐎧𐏁𐎡𐎹 𐎠𐎵 𐎶-𐎶 𐎶-𐎶 𐎶-𐎶 𐎶-𐎶 (اَوْرَمَزْدَا هَ) هم در لوحه ارشام وهم در دست‌نaskتیبۀ بزرگ داریوش کبیر در بیستون بکار برده شده است در صورتیکه شکل جدید تر این اسم در حالت اضافه 𐎧𐏁𐎡𐎹 <=> 𐎧𐏁𐎡𐎹 𐎠𐎵 𐎶-𐎶 𐎶-𐎶 𐎶-𐎶 𐎶-𐎶 (اَوْرَمَزْداها) در لوحه اردشیر دوم دیده میشود.

این نکات و نظائر آن اصالت و صحت این لوحه‌ها را بخوبی ثابت میکنند و نشان میدهند که خط پارسی باستان مدت سیصد سال یعنی از نیمه قرن ششم قبل از میلاد تا حمله اسکندر در سال ۳۳۰ قبل از میلاد مرسوم و متداول بوده است.

زبان پارسی باستان شباهت نزدیکی به سانسکریت داشت و نیز با زبان یونانی قدیم مربوط بود. در آن سه جنس - مذکر - مؤنث - خنثی موجود بود. همچنین علاوه بر مفرد و جمع شکل مخصوصی برای تثنیه بود. در مورد افعال بغیر از معلوم و مجهول حالت مخصوصی موسوم به وسطی داشت. مانند یونانی در آن زمان ماضی غیر محدود (Aoriste) نیز بکار میرفت. اسامی و صفات صرف میگردید و دقت مخصوصی برای تصریف افعال بکار برده میشد. این پیچیدگیها و نکات مشکل مراحل مختلف را پیموده و تبدیل بشکل ساده زبان فارسی میانه (پهلوی) و فارسی اسروزی شده‌اند.

### ارزش کتیبه های پارسی باستان از لحاظ زبان

پاره‌ای از واژه‌های پارسی باستان که اسروز در بین مانند اول است در حدود مدت ۲۷۰۰ سال هیچگونه تغییری نکرده‌اند. این موضوع شاید یکی از صفات لایزال نژاد ایرانی و مردم ایران باشد که هنوز در سخنان روزمره خود اصطلاحاتی را بکار می‌برند که اجدادشان در همان ابتدای پیدایش تاریخ خود بکار می‌بردند. بعنوان نمونه میتوان از کلمات <۴> 𐎧𐎡𐎴 - ماه - 𐎧𐎡𐎴 = 𐎧𐎡𐎴 - دست - <۵> 𐎧𐎡𐎴 آسمان نام برد.

کلمات دیگری در اثر گذشت زمان جزئی تغییری یافته و برای ما باقی مانده‌اند مانند کلمات <۱> 𐎧𐎡𐎴 (ك وَف) کوه - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 (سپاد) سپاه. بعضی کلمات که در اول با <۱> (خ) شروع میشدند آن علامت را از دست داده‌اند مثلاً کلمه «شب» اسروزی در اصل 𐎧𐎡𐎴 <۱> (خَشَب) بوده است. بعنوان مثال دیگری میتوان از کلمه 𐎧𐎡𐎴 - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 (خَش سپاوا) که بمعنی ساتراپ یا استاندار ایالتی مانند بلخ بوده است نام برد که پس از حذف <۱> بصورت «شهربان» درآمده است.

برعکس میتوان از کلماتی اسم برد که در قدیم <۱> در اول آنها نبوده است ولی اسروزه با این حرف شروع میشوند مانند 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 (ئیشتیش) خشت - و 𐎧𐎡𐎴 (اشک) خشک.

کلماتی چند که با (و) شروع میشدند بعدها با حرف (گ) نوشته شدند مانند 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 (ویشناسپ) پدر داریوش که اسروزه گشتاسپ نوشته میشود - و <۵> 𐎧𐎡𐎴 (وَرکان) که بعدها بصورت گرگان درآمده است.







۶ - جانشین آریارمن پسرش ارشام بود.

۷ - کوروش کبیر پسر کامبیز اول بود که ارشام را از سلطنت خلع کرد و یک بار دیگر مملکت را بصورت اول مانند زمان چیش پیش درآورد. علاوه بر این با گرفتن ماد - عیلام - بابل - ولیدی آنرا توسعه داد.

۸ - پسر کوروش کبیر کامبیز دوم پس از سلطنت کوتاهی در خارج از ایران درگذشت و تخت سلطنت پس از او به داریوش کبیر پسر ویشتاسپ و نوۀ ارشام رسید. این هردو در زمان بسطنت رسیدن داریوش در قید حیات بودند.

کتیبه‌های بیستون همچنین شرح مفصلی درباره لشکرکشی‌های داریوش و شورشهایی که در ارمنستان - آشور - بابل - عیلام - مصر - ماد - مرو - پارس - پارت - سگارتی - و سکیتی برپا شده و توسط داریوش درهم شکسته شده بما میدهد. علاوه بر این داریوش در ظرف یکسال در نوزده نبرد فاتح گردید و نه پادشاه را شکست داد. این نه پادشاه را که با بند بسته‌اند در جلو داریوش که آنها را محکوم باعدام میکند در بیستون مشاهده میکنیم.

𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹  
𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹  
𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹

(هم هیا یا : ثرد : ۱۹ : همنا : اکون و م : اتا : ۹ : خشای ثی یا : اگر با یم)  
(hamahyâyâ: 9ard: XIX: hamaranâ: akunavam: utâ: IX:  
xsâya9 iyâ: agarbâyam)

« در یک سال ۱۹ جنگ کردم و نه پادشاه را باسارت درآوردیم. »

در یکی از الواحی که در شوش یافت شده است شرح ساختمان قصر داریوش را در آن شهر میتوان دید. این قصر قبل از تخت جمشید در شوش ساخته شد. در اثر خاک رسوبی که رودخانه کرخه با خود میآورد شالوده‌های بسیار عمیقی لازم بود و مصالح قیمتی برای تزئین قصر از کشورهای دور دست میآوردند.

𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹  
𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎼𐎡𐎹

(هچا چیی : دوردش : ارجنم شیی : ابری ی)

(hacâciy: duradaša: arjanamsaiy: abariya)

« در حقیقت وسائل تزئین آن از نقاط دور دست آورده شد »

عده‌ای از الواح طلا و نقره بطور خلاصه وسعت قلمرو ایران قدیم را از شمال بجنوب و از مشرق بمغرب شرح میدهند.

(هچا : سَكَّ ئِيِيَش : تَ يَ ئِيِي : پَرَ : سوگدم : اَمَتَ : يا تا : آ : كوشا : هچا :  
هيد وو : اَمَتَ : يا تا : آ : سِردا )

« از سبکته‌ها که آنطرف سغد هستند تا به حشه - از هند تا به سارد. »

[illegible]

^

« این ترعه با مرمن‌کنده شد و کشتی‌ها از وسط این ترعه گذشته از مصریه پارس میرفتند بطوریکه اراده من بود. »

کتیبه‌های پارسی باستان دارای ارزش اخلاقی بوده و نمودار عقاید دینی و صفات اخلاقی شاهان هخامنشی می‌باشد. تقریباً تمام کتیبه‌ها معترف بعظمت و نیکی خدا آفریننده زمین و آسمان و موجد رفاه و آسایش بشر است. بیشتر از آنها نیز شامل درخواست کمک و مساعدت از اوست.

[illegible]

(imâm: dahyâum: Auramazdâ: pâtuv: hacâ: hainâyâ: hacâ:  
dusiyârâ: hacâ: draugâ)

این آرزو بقدری در ذهن داریوش شدید بوده است که آنرا بصورت دیگری اما با عبارات منفی تکرار کرد.

[illegible]

(اَبی: ئیمام: دَہیاوم: ما: آجَمی: یا: ما: هَئینا: ما دوشی یا رَم: ما: دَرُوگ)

1.



« احساسات خود را بشدت تحت اراده خود میگیرم »

[illegible]

(مَرْتَبِي يَم : دَرُوْجَنَم : نَئِي : دُوشْتَا : اَسِي)

(martiyam: draujanam: naiy: daustâ: amiy)

« دوست آدم دروغگو نیستم »

[illegible]

(نَئِیْمَا: کَامَ : تَیْ : سَکَّ وَثِیْش : تَوْنُوْت ھُ : یَا : رَادِئِیْ : مِیْثَ : کَرِیْ نِیْشَ :

نَئِیْمَا : اَوْ : کَامَ : تَی : تَوْنُوْا : سَکَّ وَثَّ ئِیْمَش : رَادِئِی : مِیْثَ : کَرِیْ ئِیْمَش

(naimâ: kâma: tya: skau θ is: tunuvatahyâ: râdiy: mi θ a: kariy-  
aiš: naimâ: ava: kâma: tya tunuvâ: skau θ aiš: râdiy: mi θ a:  
kariyaiš)

«میل من نیست کہ شخص ضعیف توسط شخص توانائی مورد ستم قرار گیرد

و آن میل من نیست که به شخص توانائی از طرف شخص ضعیف بدی کرده شود»

داریوش برای خدمت اشخاص ارزش قائل بود.

[illegible]

(مرتبی : هی : هتخش ت ئیی : انودیم : هکرت هیا : پری برامیی)

(martiya: hya: hataxsataiy: anudim: hakartahyâ: paribarâmiy)

«کسیکه دارای حس همکاری است برابر خدمتش باو پاداش میدهد»

[illegible]

(tyamaiy: kartam: imaibīṣ: uvnaraibīṣ: akunavam: tya: mām:  
Auramazdâ: upariy: niyasaya)

داریوش با فکر دوراندیش خود باینده نیز می‌اندیشید و در کتیبه خود در بیستون بکسانیکه در خلال قرون متمادی فرمانروائی این کشور را بعهدہ خواهند داشت کلماتی ایراد میکند که دارای ارزش و اعتبار جاودانی است.

[illegible]

(tuvam: kâ: x̣sâya<sup>h</sup>aiya: hya: aparam: âhy: hacâ: draugâ:  
darṣam: patipayauvâ)

[illegible]

۱۳





( θûvâm: kê: xsâya θ iya: hya: aparam: âhy: Aûramazdâ: pâtuv)





Darius montre sa sagesse par son empire sur lui même:-

𐎠𐎹𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
(uvaîpašīyahyâ: daršam: xšayamna:  
amīy)

“Je contrôle fermement mes impulsions.”

par son horreur du mensonge:-

𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
(martīyam: draûdjanam: naīy: daûštâ:  
amīy)

“Je ne suis pas l'ami du menteur.”

par son impartialité:-

𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
(naīmâ: kâma: tya: skaûthîš:  
tûnûvatahyâ: râdīy: mî θ a: kariyaîš: naīmâ: ava: kâma: tya:  
tûnûva: skaû θ aîš: râdīy: mî θ a: kariyaîš).

“Ce n'est pas mon souhait que l'homme faible soit lésé par l'homme fort, ni que l'homme fort soit lésé par l'homme faible.”

par son appréciation des services rendus:-

𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵 𐎶𐎵𐎶𐎵  
(martīya: hya: hataxsataīy: anûdīm: hakartahyâ: parībarâmīy)

“L'homme qui coopère, je le récompense en conséquence.”

Darius montre son énergie par ses exploits militaires, ses talents de cavalier, son art de tirer à l'arc - arts dans lesquels il excèle.





Un évènement historique de grande importance - la construction d'un canal entre le Nil et la Mer Rouge, sur l'ordre de Darius le Grand - est rapporté par une tablette en cunéiforme, écrite en vieux persan et en hiéroglyphe égyptien, Darius a ainsi mené à bien l'entreprise du Pharaon Nécho (609-594 av. J.C.) Le canal était assez grand pour laisser passer deux trirèmes.

“Ce canal fut creusé, comme je l’ai ordonné, et les bateaux allèrent à travers ce canal d’Égypte en Perse, suivant mon désir.”

Ces inscriptions témoignent des croyances religieuses et des qualités morales des rois achéménides. Presque toutes accréditent la grandeur et la bienveillance de Dieu, créateur du ciel et de la terre, et auteur du bonheur et du bien-être humains. Plusieurs demandent Son aide et Son soutien. Une des plus fameuses prières de Darius le Grand est inscrite sur le mur de soutènement sud de Persépolis:

9

ᐱᐅ ᐸᐃ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ  
ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ  
ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ ᐱᐅ  
XIX: hamaranâ: akûnavam: utâ: IX: xšâya θ iyâ: agarbâyam:)  
“En une seule et même année j’ai combattu dix-neuf batailles et  
capturé neuf rois.”

Une tablette trouvée à Suse y décrit la construction du palais de Darius, construction antérieure à celle de Persépolis.

Le palais était bâti au bord de la rivière Karkheh et, étant donné la nature alluviale du sol, des fondations de grande profondeur furent nécessaires. De riches matériaux pour l'embellissement du palais ont été importés de contrées lointaines.

[illegible]

“En effet les décorations furent amenées de très loin” -l’or de la Bactriane, l’argent de l’Égypte, l’ébène de l’Éthiopie, l’ivoire des Indes, le lapis lazuli et la cornaline de la Sogdiane, la turquoise de la Chorasmie, le bois de cèdre du Liban: ce bois du être transporté d’abord par les Assyriens sur l’Euphrate, jusqu’ à Babylone, puis par les Ioniens, peuple de marins, jusqu’au Golfe Persique, et de là, par rivière à Suse.

Un nombre de tablettes d'or et d'argent décrivent en termes conçus les dimensions des territoires persans, du nord au sud et de l'est à l'ouest:

< < 𐎠 𐎡 𐎢 𐎣 𐎤 𐎥 𐎦 𐎧 𐎨 𐎩 𐎪 𐎫 𐎬 𐎭 𐎮 𐎯 𐎰 𐎱 𐎲 𐎳 𐎴 𐎵 𐎶 𐎷 𐎸 𐎹 𐎺 𐎻 𐎼 𐎽 𐎾 𐎿  
 𐏀 𐏁 𐏂 𐏃 𐏄 𐏅 𐏆 𐏇 𐏈 𐏉 𐏊 𐏋 𐏌 𐏍 𐏎 𐏏 𐏐 𐏑 𐏒 𐏓 𐏔 𐏕 𐏖 𐏗 𐏘 𐏙 𐏚 𐏛 𐏜 𐏝 𐏞 𐏟 𐏠 𐏡 𐏢 𐏣 𐏤 𐏥 𐏦 𐏧 𐏨 𐏩 𐏪 𐏫 𐏬 𐏭 𐏮 𐏯 𐏰 𐏱 𐏲 𐏳 𐏴 𐏵 𐏶 𐏷 𐏸 𐏹 𐏺 𐏻 𐏼 𐏽 𐏾 𐏿  
 𐐀 𐐁 𐐂 𐐃 𐐄 𐐅 𐐆 𐐇 𐐈 𐐉 𐐊 𐐋 𐐌 𐐍 𐐎 𐐏 𐐐 𐐑 𐐒 𐐓 𐐔 𐐕 𐐖 𐐗 𐐘 𐐙 𐐚 𐐛 𐐜 𐐝 𐐞 𐐟 𐐠 𐐡 𐐢 𐐣 𐐤 𐐥 𐐦 𐐧 𐐨 𐐩 𐐪 𐐫 𐐬 𐐭 𐐮 𐐯 𐐰 𐐱 𐐲 𐐳 𐐴 𐐵 𐐶 𐐷 𐐸 𐐹 𐐺 𐐻 𐐼 𐐽 𐐾 𐐿  
 𐑀 𐑁 𐑂 𐑃 𐑄 𐑅 𐑆 𐑇 𐑈 𐑉 𐑊 𐑋 𐑌 𐑍 𐑎 𐑏 𐑐 𐑑 𐑒 𐑓 𐑔 𐑕 𐑖 𐑗 𐑘 𐑙 𐑚 𐑛 𐑜 𐑝 𐑞 𐑟 𐑠 𐑡 𐑢 𐑣 𐑤 𐑥 𐑦 𐑧 𐑨 𐑩 𐑪 𐑫 𐑬 𐑭 𐑮 𐑯 𐑰 𐑱 𐑲 𐑳 𐑴 𐑵 𐑶 𐑷 𐑸 𐑹 𐑺 𐑻 𐑼 𐑽 𐑾 𐑿  
 𐒀 𐒁 𐒂 𐒃 𐒄 𐒅 𐒆 𐒇 𐒈 𐒉 𐒊 𐒋 𐒌 𐒍 𐒎 𐒏 𐒐 𐒑 𐒒 𐒓 𐒔 𐒕 𐒖 𐒗 𐒘 𐒙 𐒚 𐒛 𐒜 𐒝 𐒞 𐒟 𐒠 𐒡 𐒢 𐒣 𐒤 𐒥 𐒦 𐒧 𐒨 𐒩 𐒪 𐒫 𐒬 𐒭 𐒮 𐒯 𐒰 𐒱 𐒲 𐒳 𐒴 𐒵 𐒶 𐒷 𐒸 𐒹 𐒺 𐒻 𐒼 𐒽 𐒾 𐒿  
 𐓀 𐓁 𐓂 𐓃 𐓄 𐓅 𐓆 𐓇 𐓈 𐓉 𐓊 𐓋 𐓌 𐓍 𐓎 𐓏 𐓐 𐓑 𐓒 𐓓 𐓔 𐓕 𐓖 𐓗 𐓘 𐓙 𐓚 𐓛 𐓜 𐓝 𐓞 𐓟 𐓠 𐓡 𐓢 𐓣 𐓤 𐓥 𐓦 𐓧 𐓨 𐓩 𐓪 𐓫 𐓬 𐓭 𐓮 𐓯 𐓰 𐓱 𐓲 𐓳 𐓴 𐓵 𐓶 𐓷 𐓸 𐓹 𐓺 𐓻 𐓼 𐓽 𐓾 𐓿  
 𐔀 𐔁 𐔂 𐔃 𐔄 𐔅 𐔆 𐔇 𐔈 𐔉 𐔊 𐔋 𐔌 𐔍 𐔎 𐔏 𐔐 𐔑 𐔒 𐔓 𐔔 𐔕 𐔖 𐔗 𐔘 𐔙 𐔚 𐔛 𐔜 𐔝 𐔞 𐔟 𐔠 𐔡 𐔢 𐔣 𐔤 𐔥 𐔦 𐔧 𐔨 𐔩 𐔪 𐔫 𐔬 𐔭 𐔮 𐔯 𐔰 𐔱 𐔲 𐔳 𐔴 𐔵 𐔶 𐔷 𐔸 𐔹 𐔺 𐔻 𐔼 𐔽 𐔾 𐔿  
 𐕀 𐕁 𐕂 𐕃 𐕄 𐕅 𐕆 𐕇 𐕈 𐕉 𐕊 𐕋 𐕌 𐕍 𐕎 𐕏 𐕐 𐕑 𐕒 𐕓 𐕔 𐕕 𐕖 𐕗 𐕘 𐕙 𐕚 𐕛 𐕜 𐕝 𐕞 𐕟 𐕠 𐕡 𐕢 𐕣 𐕤 𐕥 𐕦 𐕧 𐕨 𐕩 𐕪 𐕫 𐕬 𐕭 𐕮 𐕯 𐕰 𐕱 𐕲 𐕳 𐕴 𐕵 𐕶 𐕷 𐕸 𐕹 𐕺 𐕻 𐕼 𐕽 𐕾 𐕿  
 𐖀 𐖁 𐖂 𐖃 𐖄 𐖅 𐖆 𐖇 𐖈 𐖉 𐖊 𐖋 𐖌 𐖍 𐖎 𐖏 𐖐 𐖑 𐖒 𐖓 𐖔 𐖕 𐖖 𐖗 𐖘 𐖙 𐖚 𐖛 𐖜 𐖝 𐖞 𐖟 𐖠 𐖡 𐖢 𐖣 𐖤 𐖥 𐖦 𐖧 𐖨 𐖩 𐖪 𐖫 𐖬 𐖭 𐖮 𐖯 𐖰 𐖱 𐖲 𐖳 𐖴 𐖵 𐖶 𐖷 𐖸 𐖹 𐖺 𐖻 𐖼 𐖽 𐖾 𐖿  
 𐗀 𐗁 𐗂 𐗃 𐗄 𐗅 𐗆 𐗇 𐗈 𐗉 𐗊 𐗋 𐗌 𐗍 𐗎 𐗏 𐗐 𐗑 𐗒 𐗓 𐗔 𐗕 𐗖 𐗗 𐗘 𐗙 𐗚 𐗛 𐗜 𐗝 𐗞 𐗟 𐗠 𐗡 𐗢 𐗣 𐗤 𐗥 𐗦 𐗧 𐗨 𐗩 𐗪 𐗫 𐗬 𐗭 𐗮 𐗯 𐗰 𐗱 𐗲 𐗳 𐗴 𐗵 𐗶 𐗷 𐗸 𐗹 𐗺 𐗻 𐗼 𐗽 𐗾 𐗿  
 𐘀 𐘁 𐘂 𐘃 𐘄 𐘅 𐘆 𐘇 𐘈 𐘉 𐘊 𐘋 𐘌 𐘍 𐘎 𐘏 𐘐 𐘑 𐘒 𐘓 𐘔 𐘕 𐘖 𐘗 𐘘 𐘙 𐘚 𐘛 𐘜 𐘝 𐘞 𐘟 𐘠 𐘡 𐘢 𐘣 𐘤 𐘥 𐘦 𐘧 𐘨 𐘩 𐘪 𐘫 𐘬 𐘭 𐘮 𐘯 𐘰 𐘱 𐘲 𐘳 𐘴 𐘵 𐘶 𐘷 𐘸 𐘹 𐘺 𐘻 𐘼 𐘽 𐘾 𐘿  
 𐙀 𐙁 𐙂 𐙃 𐙄 𐙅 𐙆 𐙇 𐙈 𐙉 𐙊 𐙋 𐙌 𐙍 𐙎 𐙏 𐙐 𐙑 𐙒 𐙓 𐙔 𐙕 𐙖 𐙗 𐙘 𐙙 𐙚 𐙛 𐙜 𐙝 𐙞 𐙟 𐙠 𐙡 𐙢 𐙣 𐙤 𐙥 𐙦 𐙧 𐙨 𐙩 𐙪 𐙫 𐙬 𐙭 𐙮 𐙯 𐙰 𐙱 𐙲 𐙳 𐙴 𐙵 𐙶 𐙷 𐙸 𐙹 𐙺 𐙻 𐙼 𐙽 𐙾 𐙿  
 𐚀 𐚁 𐚂 𐚃 𐚄 𐚅 𐚆 𐚇 𐚈 𐚉 𐚊 𐚋 𐚌 𐚍 𐚎 𐚏 𐚐 𐚑 𐚒 𐚓 𐚔 𐚕 𐚖 𐚗 𐚘 𐚙 𐚚 𐚛 𐚜 𐚝 𐚞 𐚟 𐚠 𐚡 𐚢 𐚣 𐚤 𐚥 𐚦 𐚧 𐚨 𐚩 𐚪 𐚫 𐚬 𐚭 𐚮 𐚯 𐚰 𐚱 𐚲 𐚳 𐚴 𐚵 𐚶 𐚷 𐚸 𐚹 𐚺 𐚻 𐚼 𐚽 𐚾 𐚿  
 𐛀 𐛁 𐛂 𐛃 𐛄 𐛅



(VIII: manâ taûmâyâ: tyaiy: parûvam: x̣sâya 0 iyâ: âha:  
adam: navama: IX: duvitâparanam: vayam: x̣sâya 0 iyâ:  
amahy).

Les huit rois précédant Darius sont reconnus comme (1) Achéménès, le fondateur de la dynastie; (2) Téispès, son fils, à la mort duquel le royaume fut divisé entre ses deux fils, (3) Cyrus I, qui régna en Anshan, et (4) Ariaramnès, qui régna en Pars. À Cyrus I succéda son fils, (5) Cambyse I, et à Ariaramnès, son fils, (6) Arsamès. Cyrus le Grand, le fils de Cambyse I détrôna Arsamès, rétablissant ainsi l'unité du royaume, comme sous le règne de Téispès. Ce royaume il l'agrandit par la capture de la Médie, de l'Elam, de la Babylonie et de la Lydie. Son fils, (8) Cambyse II, mourut à l'étranger après un court règne et le trône passa à l'autre branche de la famille, dans la personne de Darius le Grand, fils d'Hystaspe et petit-fils d'Arsamès, qui étaient encore vivants lors de l'accession au trône de Darius.

7

(bandeh) et signifie une servante ou un sujet. Pour la même raison du fait que la consonne nasale n'était pas clairement entendue, elle était omise dans les inscriptions des verbes à la troisième personne du pluriel. Dans les phrases suivantes l'emploi du verbe 𐎠𐎼𐎶 (abara) montre, que malgré la similitude de la forme, dans le premier cas il est au singulier, et dans le second au pluriel.

𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶  
𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶

1. (kâra: hya: A 𐎠 𐎠𐎼𐎶: haûdîm: abara: yâtâ: Bâbîraûv)

Le peuple assyrien l'apporte (bois de cèdre) aussi loin que Babylone.

𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶  
𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶

2. (hatchâ: Bâbîraûv: Yaûnâ: abara: yâtâ: SSuśâyâ)

De Babylone les Ioniens l'apportèrent aussi loin que Suse.

Quelques vieux mots persans sont tombés en désuétude, bien qu'ils aient été retenus dans d'autres langues. Un exemple: 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 (ardatam), qui a donné le mot français "argent".

Une inscription de Darius le Grand trouvée à Suse contient cette phrase:-

𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶 𐎠𐎼𐎶  
(ardatam: hatchâ: Mûdrâyâ: abarîya) - L'argent était apporté de l'Egypte.

Valeur historique des anciennes inscriptions persanes.

Parmi les points d'intérêt historique confirmés par les inscriptions de Béhistoun est la descendance directe de Darius d'Achéménès laquelle se trace à travers Téspès, Ariaramnès, Arsamès, et Hystaspe, qui est évidemment plus juste que le postulat d'Hérodote qui voudrait placer Darius dans la septième au lieu de la cinquième génération d'Achéménès. Darius affirme qu'il y a eu huit rois de la famille achéménide régnant avant lui, lui même étant le neuvième.



l'ancêtre et patronyme, Cyrus le Grand, avait détroné Arsamès. Il existe cependant de très nettes différences dans le texte des tablettes d'or d'Arsamès et d'Artaxerxès II. La première est dépourvue d'idéogrammes alors que la seconde en fait un usage répété. L'ancienne forme du génitif du nom du Dieu Persan, Aûramazdâha  $\overline{\text{𐎠𐎡𐎹}} \langle \overline{\text{𐎠}} \overline{\text{𐎡}} \overline{\text{𐎹}} \rangle \text{𐎠𐎡𐎹} \text{𐎠𐎡𐎹} \text{𐎠𐎡𐎹} \langle \text{𐎠} \text{𐎡} \rangle$  est utilisée dans la tablette d'Arsamès, de même qu'elle l'est tout au long de l'inscription de Darius le Grand à Béhistoun, tandis que la forme plus récente, Aûramazdâhâ  $\overline{\text{𐎠𐎡𐎹}} \langle \overline{\text{𐎠}} \overline{\text{𐎡}} \overline{\text{𐎹}} \rangle \text{𐎠𐎡𐎹} \text{𐎠𐎡𐎹} \text{𐎠𐎡𐎹} \langle \text{𐎠} \text{𐎡} \rangle \overline{\text{𐎠𐎡𐎹}}$  apparaît dans la tablette d'Artaxerxès II. Ces observations, auxquelles on pourrait en ajouter bien d'autres, tendent à prouver l'authenticité de ces tablettes et l'existence de cette écriture pendant trois siècles, dès le milieu du 6ème siècle av. J.C. - jusqu'à la conquête d'Alexandre en 330 av. J.C.

L'ancienne langue persane a une étroite affinité avec le Sanscrit, et est apparentée aussi au Grec Attique. Il y avait trois genres, le masculin, le féminin et le neutre; trois nombres, le singulier, le binaire et le pluriel, et dans les verbes trois voix; active, moyenne, passive. Le temps aoriste était employé comme dans la langue grecque. Les noms et adjectifs sont déclinés, et les verbes conjugués avec une exactitude grammaticale. Cette structure fut graduellement réduite aux simples usages du persan moyen et moderne.

Valeur philologique des anciennes inscriptions persanes.

Un nombre de vieux mots persans sont arrivés inchangés, d'il y a 2,700 ans à nos jours, fait qui prouve non seulement l'antiquité, mais aussi la continuité du langage. C'est probablement l'une des caractéristiques persistantes de la race et du peuple persans d'employer encore dans la langue courante les mêmes formes que leurs ancêtres ont employés au début de leur histoire. Comme exemple de cette constance étymologique les mots pour mois  $\text{𐎠𐎡𐎹} \overline{\text{𐎠𐎡𐎹}} \langle \text{𐎠} \text{𐎡} \rangle$  (mâha); pour main  $\overline{\text{𐎠}} \text{𐎡} \text{𐎡} \text{𐎡}$  (dasta); pour ciel  $\overline{\text{𐎠𐎡𐎹}} \text{𐎡} \text{𐎠𐎡𐎹} \overline{\text{𐎠𐎡𐎹}} \text{𐎡}$  (asmâna), peuvent être mentionnés. D'autres mots à travers le temps ont survécu dans une forme légèrement différente, comme



persan. Cette écriture ne comprend que 36 caractères contre plusieurs centaines dans les formes les plus complexes de cunéiforme et est plus syllabique qu'alphabétique. Parmi ces 36 caractères trois 𐎠 - 𐎡 - 𐎢 représentent les voyelles a; i; u. Les 33 caractères restants sont des consonnes sonores. 22 d'entre eux sont associés au son a; 4 au son i, et 7 au son u.

Ces 33 caractères sont:-

𐎠 (ka); 𐎡 (ku); 𐎢 (xa); 𐎣 (ga); 𐎤 (gu); 𐎥 (tcha);  
𐎦 (dja); 𐎧 (dji); 𐎨 (ta); 𐎩 (tu); 𐎪 (θa); 𐎫 (ssa);  
𐎬 (da); 𐎭 (di); 𐎮 (du); 𐎯 (na); 𐎰 (nu); 𐎱 (pa);  
𐎲 (fa); 𐎳 (ba); 𐎴 (ma); 𐎵 (mi); 𐎶 (mu); 𐎷 (ya);  
𐎸 (ra); 𐎹 (ru); 𐎺 (la); 𐎻 (va); 𐎼 (vi); 𐎽 (sa);  
𐎾 (sa); 𐎿 (za); 𐏀 (ha).

En outre on utilisait, lorsque l'espace était restreint, des idéogrammes, sortes d'abréviations pour les mots roi 𐎠𐎫; terre 𐎠𐎫𐎠; pays, 𐎠𐎫𐎠𐎫; Dieu 𐎠𐎫𐎠; Auramazdâ 𐎠𐎫𐎠𐎫𐎠; et Auramazdâha (génitif du nom précédent), 𐎠𐎫𐎠𐎫𐎠𐎫.

Il existait aussi cinq chiffres 1 𐎠; 2 𐎡; 10 𐎢; 20 𐎣; 100 𐎤. Dans les nombres de plusieurs chiffres le chiffre de droite représentait la valeur la moins élevée.

Certains orientalistes ont prétendu que le chiffre 10 (𐎢) était aussi utilisé pour séparer les mots dans l'inscription de Béhistoun. En réalité ceci est inexact; le signe utilisé invariablement pour séparer les mots en ancien persan est un coin oblique (𐎣). La seule variation qu'ont ait observée est dans la forme du caractère ya 𐎷 qui, à Béhistoun est gravé exceptionnellement avec un clou vertical initial plus court 𐎷𐎣.

Sur les tablettes ou les briques d'argile les caractères étaient d'abord tracés à l'aide d'un style de bois: puis les tablettes étaient séchées au soleil ou cuites au four. Sur les feuilles d'or ou d'argent ils étaient estampés à l'aide d'un instrument de métal. Mais

## CONSIDERATIONS SUR LES INSCRIPTIONS EN ANCIEN PERSAN

Ce qui subsiste des inscriptions cunéiformes en ancien persan des rois achéménides a une valeur philologique, historique et éthique remarquable.

La plupart de ces inscriptions se trouve en Iran, surtout à Suse près de Ahwaz, à Béhistoun près de Kermanschah, au Mont Alvand près de Hamadan, à Pasargades, à Naqch-e-Rustam et à Persépolis près de Chiraz, au Musée Archéologique de Téhérân; deux autres à Vân en Turquie, et près, du Canal de Suez en Égypte. Il en existe d'autres exemples au British Museum à Londres, au Louvre et à la Bibliothèque Nationale à Paris, au Musée de l'Université à Philadelphie, au Musée Asiatique de Leningrad, au Musée des Armures à Bruxelles et au Musée de Berlin.

Certaines de ces inscriptions sont gravées sur des plaques d'or ou d'argent; la plupart sont tracées sur des blocs de pierre ou de marbre ou sur le flanc aplani d'une montagne; d'autres sont imprimées sur des tablettes d'argile séchées au soleil ou cuites au four. Il existe aussi des poids standards de différentes grandeurs en diorite; des vases d'albâtre ou de porphyre; des sceaux cylindriques en cristal ou en pierre, portant le nom d'un roi achéménide, accompagné parfois d'une légende. L'ensemble constitue un riche trésor national, qui éclaire la structure de la langue persane ancienne et l'histoire de l'empire persan.

L'ancien persan s'écrivait de gauche à droite à l'aide de caractères en forme de coins, empruntés sans doute aux inscriptions élamites et babyloniennes. L'écriture cunéiforme avait été d'un usage courant pendant plusieurs siècles dans les pays voisins à l'ouest de l'Iran; aussi était-il normal qu'on en crée une forme simplifiée pour transcrire les documents et les décrets en ancien





**CONSIDERATIONS SUR LES  
INSCRIPTIONS  
EN ANCIEN PERSAN**

(tuvam: k̄ā: khshāyathiya: hya: aparam: āhy: hya: draujana:  
ahatiy: hyavā: zurakara: ahatiy: avaiy: mā: daushtā: biyā)

“Thou who shalt be King hereafter, be no friend to those who are false or cruel”

These words of Darius also are inscribed on a marble plaque found at Susa:-

[illegible]

"Thou who shalt be King hereafter, God protect thee!"









𐬢𐬀 -𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀  
 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀  
 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀 𐬢𐬢𐬀  
 (imām: dahyāum: Auramazdā: pātuv: hachā: haināyā: hachā:  
 dushiyārā: hachā: draugā).

[illegible]

Darius attributed his achievements in matters strategical or architectural to the aid afforded him by God. His son, Xerxes, (486-465 B.C.), who shared his views, asserted four times on the walls of the Propylaeum at Persepolis:-

10







The Old Persian Inscriptions have a historical value.

Among points of historical interest in the Bisutun inscription is the direct descent of Darius from Achaemenes, which he traces through Teispes, Ariaramnes, Arsames and Hystaspes. This is obviously more accurate than that postulated by Herodotus, who would place Darius in the seventh instead of the fifth generation from Achaemenes. Darius asserts that there had been eight kings of the Achaemenian family ruling before him, he himself being the ninth.

𐎠𐎵𐎹𐎲 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧  
𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧  
𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧  
𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧 𐎠𐎡𐎴𐎧  
(VIII: mana: (taumāyā: tyaiy: paruvam: khshāyathiyā: āha:  
adam: navama: IX: duvitāparanam: vayam: khshāyathiyā:  
amahy) "There are eight of our family, who were formerly kings:  
I am the ninth: nine in succession (in a double line) we have  
been kings."

The eight kings preceding Darius are reckoned as (1) Achaemenes, the founder of the dynasty; (2) Teispes his son, after whose death the kingdom was divided between the two sons of Teispes, (3) Cyrus I, who ruled in Anshan, and (4) Ariaramnes, who ruled in Pars. Cyrus I was succeeded by his son, (5) Cambyses I, and Ariaramnes by his son, (6) Arsames. (7) Cyrus the Great was the son of Cambyses I, and dethroned Arsames, once more uniting the kingdom as it had been in the days of Teispes. He also extended it by the capture of Media, Elam, Lydia and Babylon. His son (8) Cambyses II died abroad after a short reign, and the throne passed to the other branch of the family in the person of Darius the Great, son of Hystaspes and grandson of Arsames, both of whom were living at the time of Darius' accession.

Generally in the Old Persian inscriptions the letters (m) or (n), being somewhat muted, were omitted before another consonant, although pronounced, as renderings into other languages indicate. Examples are:- 𐎠=𐎡 <𐎶𐎵> 𐎶𐎥𐎴𐎧𐎺𐎠 (Kambujiya), Cambyse; 𐎶𐎵𐎶𐎠 𐎠= (bandaka), which is now written "bandeh", باندۀ , meaning a servant or subject. For the same reason, that the nasal consonant was not very clearly heard, it was omitted in the third person plural of verbs in the inscriptions, as the use of the verb, 𐎲𐎠𐎹𐎫𐎷𐎪𐎠 𐎠=𐎶 𐎶𐎵𐎶𐎠 (abara) in the following sentences shows, where, though identical in form, in the first case it is singular, and in the second case plural.

2- <= < ṡ- ṡṡ \ =| ṡṡ =| ṡṡ ≡| <ṡ -|≡ \ |<- <ṡ =< ṡṡ  
\ ṡṡ =| ≡| \ |<- ṡṡ =|| ṡṡ \ ṡ <ṡ ≡ ṡṡ |<- ṡṡ      (hachā:  
Bābirauv: Yaunā: abara: yātā: SSushayā) “From Babylon  
the Ionians brought it as far as Susa.”

$\frac{1}{2} \left( \frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$

“Do not leave the right path!”







in the countries adjacent to Iran on the west, it was natural that a simplified form of such script should have been devised for recording documents and decrees in Old Persian. This script contains only 36 characters as against some hundreds in the more complex forms of cuneiform, and is syllabic rather than alphabetic. Of the 36 characters three  $\overline{\text{𐎠}}$ ,  $\overline{\text{𐎡}}$ ,  $\overline{\text{𐎢}}$  represent the vowels a; i; u. The remaining 33 characters are voiced consonants. Of these 22 are associated with a; 4 with i; and 7 with u.

The consonantal characters are as follows:-

$\text{𐎠}$  (ka);  $\overline{\text{𐎡}}$  (ku);  $\overline{\text{𐎢}}$  (kha);  $\overline{\text{𐎣}}$  (ga);  $\overline{\text{𐎤}}$  (gu);  $\overline{\text{𐎥}}$  (cha);  
 $\overline{\text{𐎦}}$  (ja);  $\overline{\text{𐎧}}$  (ji);  $\overline{\text{𐎨}}$  (ta);  $\overline{\text{𐎩}}$  (tu);  $\overline{\text{𐎪}}$  (tha);  $\overline{\text{𐎫}}$  (ssa);  
 $\overline{\text{𐎬}}$  (da);  $\overline{\text{𐎭}}$  (di);  $\overline{\text{𐎮}}$  (du);  $\overline{\text{𐎯}}$  (na);  $\overline{\text{𐎰}}$  (nu);  $\overline{\text{𐎱}}$  (pa);  
 $\overline{\text{𐎲}}$  (fa);  $\overline{\text{𐎳}}$  (ba);  $\overline{\text{𐎴}}$  (ma);  $\overline{\text{𐎵}}$  (mi);  $\overline{\text{𐎶}}$  (mu);  $\overline{\text{𐎷}}$  (ya);  
 $\overline{\text{𐎸}}$  (ra);  $\overline{\text{𐎹}}$  (ru);  $\overline{\text{𐎺}}$  (la);  $\overline{\text{𐎻}}$  (va);  $\overline{\text{𐎼}}$  (vi);  $\overline{\text{𐎽}}$  (sa);  
 $\overline{\text{𐎾}}$  (sha);  $\overline{\text{𐎿}}$  (za);  $\overline{\text{𐏀}}$  (ha);

There were in addition certain ideograms or shortened forms, used where space was limited, for king  $\overline{\text{𐎠𐎹}}$ ; earth  $\overline{\text{𐎠𐎺}}$ ; country  $\overline{\text{𐎠𐎻}}$   $\overline{\text{𐎠𐎼}}$ ; God  $\overline{\text{𐎠𐎽}}$ ; Auramazda  $\overline{\text{𐎠𐎿}}$   $\overline{\text{𐎠𐏀}}$ ; and Auramazdaha (the genitive form of the name)  $\overline{\text{𐎠𐏁}}$ .

The following five signs were also used to represent numbers:- 1  $\overline{\text{𐎠}}$ ; 2  $\overline{\text{𐎡}}$ ; 10  $\overline{\text{𐎢}}$ ; 20  $\overline{\text{𐎣}}$ ; 100  $\overline{\text{𐎤}}$ . In multiple figures the lowest number was placed on the right hand side.

Some orientalists have asserted that the sign for 10 (  $\overline{\text{𐎢}}$  ) was also used as a word-divider in the Bisutun inscription, but this is not the case, a diagonal wedge (  $\overline{\text{𐎣}}$  ) being invariably used to separate words in the Old Persian inscriptions. The only distinction observable is in the form of the character ya  $\overline{\text{𐎷}}$  which at Bisutun is engraved exceptionally with a shorter initial perpendicular wedge  $\overline{\text{𐎸}}$ .

The Old Persian characters were originally formed by pressing a wooden stilus into the surface of a clay brick or tablet, which

## **SOME OBSERVATIONS ABOUT THE OLD PERSIAN INSCRIPTIONS.**

The extant cuneiform inscriptions of the Achaemenian Kings in Old Persian have a great philological, historical and ethical value.

The greater part are to be seen in Iran, notably at Shush near Ahwaz; at Bisutun near Kermanshah; at Mount Alvand near Hamadan; at Pasargadae; at Naqsh-i-Rustam and Persepolis near Shiraz; in the Archaeological Museum in Tehran; also at Van in Turkey, and near the Suez Canal in Egypt. Examples of various kinds also exist in the British Museum in London; in the Louvre and the Bibliothèque Nationale in Paris; in the University Museum in Philadelphia; in the Asiatic Museum in Leningrad; in the Musée des Armures in Brussels, and in the Berlin Museum.

A number of these inscriptions are engraved on sheets of gold and silver; most are carved on blocks of stone or marble or on a smoothed surface of the mountain side; some are impressed on clay tablets sun-dried or kiln-baked. There are also standard weights of differing dimensions in diorite; vases in alabaster or porphyry; cylinder seals in crystal and other stone, bearing the name of an Achaemenian king, with in some cases descriptive matter. The whole constitutes a rich national treasure, throwing light on the structure of the Old Persian language and the history of the Persian Empire.

The script in which Old Persian was written was no doubt adopted from the wedge-like characters employed in the Elamite and Babylonian inscriptions, and was written from left to right. Cuneiform being the mode of writing current for many centuries





**SOME OBSERVATIONS  
ABOUT  
THE OLD PERSIAN INSCRIPTIONS.**